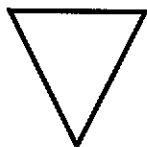


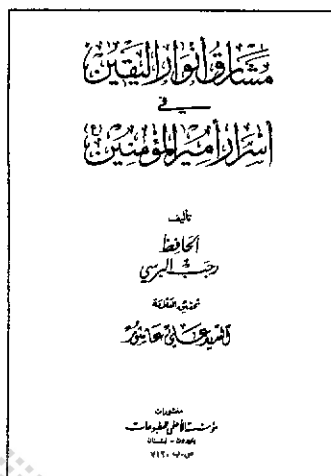


معرفی



مَشَارِقُ أَنْوَارِ الْيَقِينِ

مسعود بیدآبادی



سخن گفتن درباره مناقب و فضایل پیشوای یگانه پرستان و مولای متّقیان، به نصّ صریح کلام نبوی، عبادت است.

درحالی که در لایه لای کتب و رساله های بسیاری از عالمان شیعه و سنی مطالب متنوعی درباره زندگانی، اخلاق، فضایل، دانش سرشار و کلمات گهربار امیرمؤمنان(ع) به چشم می خورد، امّا روایات بسیاری درباره مقامات و منازل معنوی آن حضرت وارد شده که کم تر مورد توجّه محققان قرار گرفته است. گویا این کم توجّهی به دلیل سختی فهم بعضی از روایات و یا احتمال غلوّ در برخی دیگر بوده است.

یکی از دانشورانی که از کنار این گونه روایات به سادگی عبور نکرده، بلکه کوشیده تا با غوّاصی در دریای ژرف و بی کران ولایت، گوهرهای ناب و پرفروغی از دل آن برآرد، شیخ حافظ رجب بُرسی -ره- است.

بُرسی پس از کسب کمالات و طیّ مدارج در دانش هایی چون فقه، حدیث، ادبیّات، عرفان و علوم غریبه، معرفت خود را نسبت به امامان شیعه و خصوصاً علی(ع) تعمّق بخشید و از روی معرفت، عواطف قلبی و تمایلات درونی خویش را در قالب نوشته هایش انتشار داد. او بر خود واجب دانست تا آنجا که در توان دارد، در شناساندن حقیقت علوی بکوشد و



خود را در ولایت، فانی کند. کتاب مشارق أنوار الیقین فی حقائق اسرار امیرالمؤمنین ثمره این تلاش مجدانه اوست که تلفیقی از عاطفه و معرفت را می توان در آن ملاحظه کرد.

نوشته ها و نظرات بُرسی - که عاشق اهل بیت (ع) بود - بر عده ای گران آمد و با تبلیغات منفی به تخریب شخصیت وی پرداخته، نامش را در زمره گزافه گویان قلمداد نمودند. او در سراسر اشعارش از بی مهری آنان می نالد؛ اما به عشق حضرت علی (ع) می بالد و از این تهمت ها و گمان های ناروا باکی ندارد.

به هر روی، شیخ حافظ رجب بُرسی موفق گردید آثار ارزنده ای تدوین کند و اشعار نغز و شیوایی در منقبت اهل بیت بسراید. این مطالب و سروده ها در کُتبی که بعد از وی تالیف شده، درج گردید و برخی از محدثان شیعه از وی روایت نقل کرده و عده ای آثارش را شرح نموده اند. بدین گونه، تفکر و اندیشه او را ارج نهاده و نامش را در اذهان زنده کرده اند.

در این نوشتار، ضمن معرفی تفصیلی کتاب مشارق أنوار الیقین، نگاهی گذرا به شرح حال و آثار این محدث عارف می افکنیم و گفته های مخالفان و موافقان اندیشه هایش را طرح نموده، قضاوت درباره آن را به اهل تحقیق و نظر واگذار می نمایم.

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

مؤلف کتاب مشارق

عارف و عالم شیعی، رضی الدین حافظ، رَجَب بن مُحَمَّد بن رَجَب بُرسی (حدود ۷۴۳ - ۸۱۳ق)، از زندگانی او اطلاع چندانی در دست نیست؛ ولی آثار ارزشمند او نشانگر شخصیت ممتاز و مقام والای او در حدیث، تفسیر، عرفان، ادب و علوم غریبه است. شیخ حُرّ عاملی^۱ او را فاضل، محدث، شاعر، منشی و ادیب توصیف نموده است و میرزا عبدالله افندی گفته است: فقیه، محدث، صوفی معروف که مهارت در اکثر علوم داشته و یدِ طولایی در علم اسرار حروف و اعداد و مانند آنها داشت.^۲

علامه امینی، صاحب کتاب ارزنده الغدیر درباره بُرسی می نویسد:

۱. اَمَلُ الْأَمَل، ج ۲، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۲، ص ۳۰۴.



از عرفای علمای امامیه و فقهای آنها بوده که از علوم گوناگون بهره داشته، امتیاز او در فن حدیث و پیشتازی او در ادبیات و شعر و خوب سرودن آن، مهارتش در علم حروف و اسرار و استخراج فواید آن، آشکار است. از این رو است که کتاب های او پر از تحقیق و دقت نظر است و او در عرفان و علم حروف، شیوه خاصی دارد، چنان که در ولایت ائمه دین (ع) آرا و نقطه نظرهایی دارد که برخی از مردمان نمی پسندند. از همین روی، او را به غلو و زیاده روی متهم کرده اند؛ ولی حق این است که تمامی شتونی که وی در مورد اهل بیت عصمت اثبات کرده، پایین تر از مرتبه غلو و غیر از درجه نبوت است.^۳

بُرسی در مقدمه کتاب مشارق انوار الیقین (تحریر غیر مطبوع)، خود را این چنین معرفی نموده: رَجَب بن مُحَمَّد بن رَجَب المَحَدِّث الحَافِظ البُرسی مولدًا، الحَلّیّ محتدا.

و در یکی از ابیات خود آورده است:

وَفِي الْمَوْلِدِ وَالْمَحَدِّثِ بُرْسِيًّا وَحَلِيًّا^۴

این، کاملترین معرفی است که از خود بُرسی در دست داریم؛ زیرا وی در سایر کتاب ها تنها به ذکر «رجب الحافظ» یا «رجب الحافظ البُرسی» اکتفا می کند. در ریاض العلماء، لقب «رضی الدین» نیز به اسم او اضافه شده است.^۵

بدین ترتیب، وی بُرسی الاصل و ساکن حله بوده است. اطلاق نام «بُرس» بر نقاط متعدد، موجب اظهار نظرهای متفاوتی درباره زادگاهش شده است. از جمله، دهی از توابع بیرجند را «بُرس» نامیده اند و گروهی از مؤلفان، «بُرس» را از توابع گیلان و عده ای آن را از روستاهای کاشمر دانسته اند. در معجم البلدان و تاج العروس، بُرس را منطقه ای از بابل عراق و یا در بین کوفه و حله معرفی نموده اند.^۶

۳. الغدیری فی الکتاب و السنّة و الادب، عبدالحسین امینی، ج ۷، ص ۳۳-۳۴.

۴. الغدیر، ج ۷، ص ۶۷.

۵. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۴.

۶. معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۱، ص ۵۶۵؛ معجم ما استعجم، بکری اندلسی، ج ۱، ص ۲۴۱؛

تاج العروس، زبیدی، ص ۱۰۷۳؛ ریحانة الادب، مدرّس تبریزی، ج ۲، ص ۱۱.



صاحب ریاض می گوید:

گاهی توهم می شود که وی منسوب به بروسا یا برسه است - که مرکز حکمرانی پادشاهان عثمانی در روم شرقی بوده - ، اما این نسبت ، قطعاً صحیح نیست ؛ چون منسوب به بروسا را بُرسی نخوانند . به علاوه ، از آن دیار ، هیچ عالم امامی برنخاسته است .^۷

افرادی که زادگاه این عالم را ایران می دانند ، ویژگی هایی را که در اشعار و آثار وی آمده ، همچون استفاده از تخلص شعری - که به « بُرسی » و « رجب » و « حافظ » تخلص نموده - و همچنین نامش ، « رجب » - که در اعلام عربی نادر است - و نیز استفاده از نام های ایرانی چون انوش و کیومرث و افراسیاب و لهراسب و ضحاک در مشارق انوار الیقین^۸ ، قرینه بر این مطلب می دانند .^۹

به هرحال ، قراین بسیاری دلالت می کند که وی از منطقه حله است . از جمله ، شیعه بودن اهالی این منطقه و سکونت وی در حله و اشعاری که او به زبان عربی محلی در مشارق آورده است . همچنین اکثر تذکره نویسان او را از اهالی منطقه مذکور دانسته اند .

لقب « حافظ » و « محدث » نیز از تبحر او در حدیث و از بر داشتن روایات حکایت می کند و آگاهی وسیع بُرسی - که در کتاب مشارق مشهود است - ، محدث بودن وی را تأیید می نماید و البته ، وی از کلمه « حافظ » به عنوان تخلص شعری نیز استفاده کرده است .

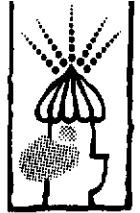
تاریخ دقیقی از تولد و وفات مؤلف در دست نیست . آن چه از مجموع قراین به دست می آید ، این است که وی از علمای سده هشتم و نهم هجری بوده و در عصر تیموریان می زیسته است . بُرسی در مشارق الانوار می گوید که بین تاریخ تألیف کتابش و غیبت امام زمان (ع) ۵۱۸ سال فاصله است . اگر تولد آن حضرت را در سال ۲۵۷ ق ، بدانیم - چنان که بُرسی در مشارق الأمان آورده - و غیبت صفرای آن حضرت در پنج سالگی ایشان رخ داده

۷ . ریاض العلماء ، ج ۲ ، ص ۳۰۹ و ۳۱۰ .

۸ . مشارق انوار الیقین ، رجب برسی ، ص ۵۹ .

۹ . تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری ، کامل مصطفی شیبی ، ترجمه علیرضا ذکاوتی

قراگوزلو ، ص ۲۴۰ .



باشد، تاریخ تألیف کتاب، سال ۷۸۰ ق، است.

البته، در پایان نسخه شماره ۱۷۸۹ کتاب خانه سپهسالار و نسخه شماره ۶۳۰ کتاب خانه مدرسه فیضیه، تاریخ ختم کتاب - به نقل از مؤلف - سال ۸۱۳ ق، درج شده است.^{۱۰} همچنین، تاریخ تألیف «مشارق الامان» در ریاض العلماء، ۸۱۱ ق، دانسته شده است.^{۱۱} عزلت و انزوا و در بدری برسی - که بر اثر هجوم و حمله معاصران کژاندیش دامن گیر وی شد - موجب شد که تا مدت ها پس از مرگ وی، شرح حال و نامی از او در تذکره ها به میان نیاید؛ لذا تاریخ تولد، وفات، محل تولد و مدفن وی در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. برسی در آثار و اشعارش، از دشمنی و حسادت هم عصرانش می نالد، و همین تنگناها و فشارها موجب شده که از حله به خراسان و به اعتقاد گروهی از آنجا به منطقه کویر مرکزی ایران، «اردستان» هجرت نماید. درباره مدفن او نیز نظرات متعددی مطرح شده است. معصوم علیشاه، مدفن برسی را قبرستان قتلگاه مشهد ذکر می کند که مدفن طبرسی، صاحب مجمع البیان نیز در آنجا است.^{۱۲} خوانساری می گوید:

مرقد مطهر او در قصبه اردستان - که در چند منزلی اصفهان است - در بستانی واقع است.^{۱۳}

محدث قمی متذکر می شود که مرقد مورد اشاره خوانساری، مدفن شارح مشارق، یعنی حسن خطیب قاری است.^{۱۴} مدرّس تبریزی نیز گفته خوانساری را تکرار کرده است.^{۱۵}

۱۰. ر.ک: الدرر، ج ۱۲، ص ۳۳ و ۳۴؛ فهرست کتاب خانه سپهسالار، محمدتقی دانش پژوه و علینقی منزوی، ج ۵، ص ۸۶۵.

۱۱. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۵؛ فهرست سپهسالار، ج ۵، ص ۵۶۷؛ فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مدرسه فیضیه قم، رضا استادی، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۷.

۱۲. طرائق الحقائق، محمود معصوم بن زین العابدین معصوم علیشاه، چاپ محمد جعفر محبوب، ج ۳، ص ۷۱۱.

۱۳. روضات الجنّات، محمد باقر خوانساری، ج ۳، ص ۳۴۵.

۱۴. الفوائد الرضویة، شیخ عباس قمی، ص ۱۸۱.

۱۵. ریحانة الادب، ج ۲، ص ۱۱.



آقای غلامرضا گلی زواره درباره مدفن بُرسی بحث مبسوطی ارائه نموده و می نویسد:

بقعه او در قلب اقیانوسی از شن و در غرب روستای امیرآباد و شرق روستای علی آباد منصوبه از توابع بلوک ریگستان زواره قرار گرفته است. اولین بنای بقعه، مربوط به قرن نهم هجری است که در عصر صفویه و در اواخر قرن سیزدهم هجری مرمت شده و اخیراً در سال ۱۴۱۰ ق، مرمت و بازسازی بقعه با تزیینات رواق و احداث چندین اتاق، انجام پذیرفت.^{۱۶}

آقای گلی زواره، تصاویر زیبایی از بقعه مذکور، در کتابی که به شرح حال رجب رسی اختصاص داده، آورده است.

درباره خاندان و فرزندان رجب بُرسی اطلاعاتی در دست نیست، جز این که در طبقات اعلام الشيعة نامی از ابوطالب بن رجب به میان آمده است. علامه تهرانی احتمال داده که وی فرزند رجب بُرسی صاحب مشارق انوار الیقین باشد.^{۱۷} آقای عبدالحسین شهیدی در مدخلی مستقل در دایرة المعارف تشیع، جمال الدین ابوطالب احمد بن رجب بن محمد بن رجب بُرسی را معرفی نموده و او را از محدثان و علمای شیعه در قرن نهم هجری دانسته که از احفاد شیخ تقی الدین، حسین بن علی داود حلّی صاحب رجال ابن داود بوده و پدرش را شیخ رجب بُرسی حلّی دانسته است. علامه مجلسی نیز درباره دعای جوشن صغیر و جوشن کبیر از ابوطالب بن رجب مطلبی نقل نموده است. همچنین، کفعمی در حواشی مصباح درباره شرف الشمس از او نقلی دارد.^{۱۸}

تالیفات رجب بُرسی

از این محدث عارف، تالیفات متعددی باقی مانده که در هر کدام جلوه هایی از اعتقادات و علایق او را به ساحت مقدس خاندان عصمت و طهارت و خصوصاً علاقه و عشق وی به امام علی (ع) و فرزندان آن بزرگوار می توان ملاحظه کرد:

۱۶. مشعلی منیر در ظلمت کویر، ص ۹۱-۹۶.

۱۷. طبقات اعلام الشيعة (الضیاء اللامع فی القرن التاسع)، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۷۰ و ۷۱.

۱۸. دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۷۸؛ مشعلی منیر در ظلمت کویر، ص ۲۴ و ۲۵.



۱. مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمؤمنین که معروف ترین، مهم ترین و مفصل ترین اثر وی است؛

۲. مشارق الامان و لباب حقائق الايمان که خلاصه کتاب قبلی است و نسخ خطی آن، فراوان است؛

۳. لوامع انوار التمجید و جوامع اسرار التوحید که همچون دیباچه یا ذیلی است بر مشارق انوار الیقین. چون نویسنده با نگارش مشارق، مورد هجوم عده ای قرار گرفته و او را به شرك و ثنویت و مانند آن متهم کردند، به تدوین این اثر همت گماشت تا رد اتهام کند. این رساله در آغاز مشارق انوار الیقین در ده صفحه چاپ شده است و نسخ خطی آن در کتاب خانه های آستان قدس رضوی، ملک، ملی، مجلس، سپهسالار و دانشگاه تهران موجود است؛^{۱۹}

۴. الالفین فی وصف سادة الکونین؛^{۲۰} علامه مجلسی این کتاب را جزء آثار بررسی قلمداد کرده و بخش هایی از آن را در کتاب بحار الانوار آورده است.^{۲۱} نسخه ای خطی از آن در کتاب خانه حسینیہ شوشتری ها در نجف به شماره ۳۱۶ موجود بوده است.^{۲۲}

آغاز الالفین: الحمد لله منزل القطر و مالک الخلق و الامر ...

۵. دیوان اشعار؛ بررسی عشق و ارادت خویش به اهل بیت عصمت (ع) را در سروده های زیبا و اشعار پرمحتوای خود نیز نشان داده است. او شاعری بوده که به زبان و ادبیات عرب تسلط کامل داشته و از ادب فارسی هم مطلع بوده، به رسم شاعران پارسی گوی برای خود تخلص «حافظ» را انتخاب نموده و اشعارش غالباً در مدح و رثای ائمه اطهار (ع) است.

شیخ محمد بن طاهر سماوی (م ۱۳۷۰ ق) حدود هفتصد بیت از اشعار او را در

۱۹. الذریعة، ج ۱۸، ص ۳۶۲؛ فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص ۴۸۶؛ فهرست دانشگاه تهران، ج ۱۷، ص ۴۱۳ و ج ۸، ص ۶۹۶؛ فهرست کتاب خانه سپهسالار، ج ۵، ص ۴۸۶؛ فهرست کتاب خانه ملک، ج ۵، ص ۵۰۷؛ فهرست کتاب خانه مجلس، ج ۲۳، ص ۸۸.

۲۰. الذریعة، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰-۲۹.

۲۲. نشریه نسخه های خطی، دفتر ۱۱ و ۱۲، ص ۸۵۲.



مجموعه ای گردآورده است. ^{۲۳} خاقانی در شعراء الحلة ^{۲۴}، ۵۴۰ بیت از اشعار بُرسی را ضبط نموده و علامه امینی در الغدير ^{۲۵} ابیات مذکور را ذکر نموده و می نویسد:

چنان که می بینید در این ها هیچ اثری از غلو و ارتفاع نیست.

نمونه ای از اشعار بُرسی در کتاب های الطلیعة من شعراء الشيعة و ادب الطف نیز درج شده است. ^{۲۶}

شاعرانی همچون فخرالدین احمد بن محمد احساسی معروف به ابن سبعی هندی (از علمای سده هشتم هجری) و شیخ احمد بن حسن نحوی و فرزندش شیخ هادی (م ۱۲۳۵ ق) اشعاری از بُرسی را تخمیس نموده اند. ^{۲۷}

حافظ بُرسی در سروده های خود به ابن عربی و سُهروردی اشاراتی دارد و اشعار ابن فارض را جواب گفته و قصیده برده بوصیری را استقبال نموده است. مجموعه ای از اشعار وی در پایان کتاب مشارق انوار الیقین، صفحات ۲۲۵ تا ۲۴۷ به چاپ رسیده است.

۶. زیارت حضرت امیرالمؤمنین (ع)؛ علامه مجلسی درباره این زیارت می گوید:

متن مفصلی است که در نهایت حُسن، جزالت، لطافت و فصاحت است. ^{۲۸}

علامه امینی انشای زیارت را بلامانع دانسته و از انتقاد سید محسن امین در این باره پاسخ گفته است. ^{۲۹} نسخه ای از زیارت مذکور در نزد صاحب ریاض بوده است ^{۳۰} و نسخه ای از آن

۲۳. الذریعة، ج ۹، ص ۱۳۲ و ج ۱۷، ص ۱۱۷: القصيدة الرائية؛ مجموعه ای از دیوان های شاعران مختلف از جمله رجب بُرسی توسط شیخ محمد سماوی جمع آوری شده و نسخه دست خط وی جزء ترکیه او بوده که دکتر حسینعلی محفوظ ضمن معرفی مخطوطات عراق، آن را در مجله معهد المخطوطات (شوال ۱۳۷۷ ق، مجلد رابع، جزء ثانی) معرفی نموده است.

۲۴. شعراء الحلة، ج ۲، ص ۳۷۱-۳۹۴.

۲۵. الغدير، ج ۷، ص ۳۸-۶۷.

۲۶. الطلیعة من شعراء الشيعة، شیخ محمد سماوی، بیروت، دارالمورخ العربی، ج ۱، ص ۳۳۰؛ ادب الطف، ج ۴، ص ۲۳۱.

۲۷. الغدير، ج ۷، ص ۳۸-۶۷.

۲۸. بحارالانوار، ج ۱، ص ۴۶؛ الذریعة، ج ۱۲، ص ۷۸، رقم ۵۳۶.

۲۹. الغدير، ج ۷، ص ۳۷.

۳۰. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۵.



در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی موجود است. ۳۱

آغاز نسخه: اذا شاهدت مشهده الشريف فطف ... و قل بصوت حزين: بسم الله ... دخلت حرم الله معظماً لحرمان الله.

۷. رسالة في كيفية التوحيد والصلوات على الرسول والائمة (ع)؛ رسالة مختصرة

است که نسخه ای از آن نزد صاحب ریاض بوده است. ۳۲

۸. الدر الثمين في ذكر خمسمائة آية نزلت من كلام رب العالمين في فضائل مولانا

امير المؤمنين (ع) باتفاق اكثر المفسرين من اهل الدين؛ صاحب ریاض می گوید:

مولی محمد تقی زنجانی در کتاب طریق النجاة از آن نقل نموده است.

سپس می افزاید:

حق، این است که الدر الثمين تألیف بُرسی نیست، بلکه الدر الثمين فی اسرار

الانزع البطین منتخبی است از مشارق انوار الیقین که شیخ تقی الدین عبدالله

حلبی تنظیم نموده است. ۳۳

در فهرست الفبایی آستان قدس رضوی (ص ۶۴۲) الدر الثمين در بیان پانصد آیه در

فضایل حضرت علی (ع) به رجب بُرسی نسبت داده شده است.

در تحریر غیر مطبوع از مشارق بخش مفصلی وجود دارد که در بیان پانصد آیه در فضایل

اهل بیت (ع) است و به نظر آقای محسن پیدارفر همین بخش در برخی از نسخه ها به صورت

مستقل با نام الدر الثمين کتابت شده است.

۹. تفسیر سورة الإخلاص؛ تفسیر سورة توحيد است با استناد به احادیث شیعی و از

منظری عرفانی.

آغاز رساله: بسملة الحمد لله رب العزة والكبريا والصلوة على سيد اهل الارض و

السماء ...

۳۱. فهرست کتاب خانه مجلس، ج ۲۳ (کتب خطی اهدایی طباطبایی)، ص ۸۹، شماره ۷۸۲.

۳۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۸؛ الذریعة، ج ۲، ص ۳۹۱ با عنوان: انشاء التوحيد والصلوات على

النبي وآله ...

۳۳. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۷.



نسخه ای از این رساله در نزد صاحب ریاض^{۳۴} موجود بوده و نسخه هایی از آن در کتاب خانه های ملی، سپهسالار، دانشگاه تهران، ملک و مجلس^{۳۵} موجود است. نسخه ای از این رساله در کتاب خانه شخصی آیت الله حسن زاده آملی در قم بوده و ایشان متن رساله را در کتاب وحدت از دیدگاه عارف و حکیم درج نموده اند.^{۳۶}

۱۰. فضایل علی(ع)؛ صاحب ریاض^{۳۷} این رساله را غیر از مشارق دانسته و آغاز آن را چنین نقل نموده:

حدَّثني الفقيه أبو الفضل شاذان بن جبرئيل بن إسماعيل القمي ...

لازم به ذکر است آن چه در فهرست قدیم آستان قدس رضوی (ج ۵، ص ۱۳۸) و فهرست الفبایی همان جا (ص ۴۳۱) به عنوان فضایل امیرالمؤمنین(ع) معرفی شده، ظاهراً همان مشارق است.^{۳۸}

۱۱. اللمعة من اسرار الاسماء والصفات والحروف والآيات والدعوات؛ صاحب ریاض، نسخه ای از آن را در تبریز دیده است.^{۳۹}

۱۲. الصلوات على الرسول والأئمة؛ صلواتیه ای است از منشآت بُرسی و نسخه ای از آن در فهرست مجلس^{۴۰} معرفی شده است. آغاز نسخه: سبحانک اللهم وبحمدک الکبرياء رداؤک.

۳۴. همان، ج ۲، ص ۳۰۸.

۳۵. فهرست کتاب خانه ملک، ج ۵، ص ۵۰۷؛ فهرست کتاب خانه سپه سالار، ج ۱، ص ۱۲۷؛ فهرست کتاب خانه دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۶۹۶؛ فهرست کتاب خانه مجلس، ج ۲۳، ص ۸۸.

۳۶. یازده رساله فارسی، حسن حسن زاده آملی، ص ۱۴۴-۱۴۹.

۳۷. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۵؛ الغدير، ج ۷، ص ۳۰۷؛ فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص ۴۳۱.

۳۸. در چاپ جدید از فهرست آستان قدس رضوی، ج ۵، ص ۲۳۳ درباره این نسخه آمده است: دیباچه این کتاب با دیباچه کتاب مشارق الانوار تقریباً یکی است؛ لکن این کتاب، غیر از کتاب مشارق الانوار است.

۳۹. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۵؛ الغدير، ج ۷، ص ۳۰۷؛ مشعلی منیر در ظلمت کویر، ص ۷۹.

۴۰. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۵؛ فهرست کتاب خانه مجلس، ج ۲۳، ص ۸۹.



۱۳. مولد النبى و فاطمة و امير المؤمنين و فضائلهم (ع)؛ رساله مختصرى است که قطعه‌ای از آن در کتاب خانه سید هاشم بحرانی موجود بوده و صاحب ریاض آن را دیده و احتمال داده که بخشی از مشارق باشد.^{۴۱}

۱۴. اسرار النبى و فاطمة و الائمه (ع) = (اسرار الائمه)؛ رساله مختصرى است که نسخه‌ای از آن در دست افندی بوده است. او می گوید:

مطالب این رساله در ضمن مشارق آمده است.^{۴۲}

۱۵. خواص اسماء الحسنی؛ رساله مختصرى درباره خواص نام‌های خداوند متعال است. کفعمی از برسی خواص مذکور را نقل می نماید. نسخه‌ای از آن در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۴۵۷ و نسخه‌ای دیگر در کتاب خانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۲۰۱ موجود است.^{۴۳} و نسخه‌ای از آن را نیز به شماره ۲۳۳ در کتاب خانه طبسی حایری فهرست نموده‌ام.

۱۶. شانزده باب، در احادیث و کلمات قصار نبوی؛ آقای گلی زواره^{۴۴} این کتاب را از تالیفات برسی دانسته و نسخه‌ای از آن را در کتاب خانه ملی نشان داده است؛ ولی با تفحص در فهرست مذکور، چنین رساله‌ای دیده نشد.

آقای دکتر حسین علی محفوظ ضمن فهرست مخطوطات عراق، کشف الغمه فی اسرار الائمه را از آثار رجب برسی معرفی نموده و هیچ توضیحی نداده است. دانسته نیست آیا آن نسخه، مشارق برسی بوده و یا کشف الغمه‌ی اربلی.^{۴۵} نیز بندی در وحدت وجود از حافظ رجب برسی در فهرست کتاب خانه ملک (ج ۵، ص ۲۳۳) معرفی شده است.

آقای دانش پژوه در فهرست دانشگاه تهران، رساله‌ای را به عنوان الصلاة علی محمد و آله

۴۱. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۸.

۴۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۷.

۴۳. فهرست کتاب خانه مجلس، عبدالحسین حایری، ج ۱۰، ص ۱۴۱۸؛ فهرست آستان قدس رضوی،

وفادار مرادی، ج ۱۵، ص ۳۴۵.

۴۴. مشعلی منیر در ظلمت کویر، ص ۸۵ و ۶۸.

۴۵. مجله معهد المخطوطات (شوال ۱۳۷۷، المجلد الرابع، الجزء الثاني) مخطوطات العربیة فی العراق.



در ضمن مجموعه رسائل بُرسی معرفی نموده و احتمال داده که از تألیفات بُرسی باشد.^{۴۶}
جناب استاد عبدالحسین حایری در فهرست کتاب خانه مجلس، ضمن معرفی مجموعه رسائل
بُرسی رساله ای را به عنوان استغاثه و توسل از ملحقات نسخه مشارق الانوار و گویا از مؤلف
آن، معرفی نموده که در آغاز و انجام، برابر با نسخه دانشگاه تهران است.^{۴۷}

آغاز رساله مذکور: بسمله، حمد له... اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في
اوليائك... و جعلت لهم عندك بذلك رفيع المقام و جزيل العطاء.

انجام: واسقنا من حوضهم شرباً رويّاً يا ارحم الراحمين آمين آمين، والحمد لله وحده.

آمين آمين لا ارضى بواحدة حتى اضيف إليها ألف آمينا

منابع شرح حال بُرسی

شرح حال بُرسی تا چند قرن پس از مرگش، در هیچ یکی از تذکره ها نیامده است، گویا
نخستین کتابی که شرح حال نسبتاً مبسوطی از بُرسی به دست داده، ریاض العلماء و حیاض
الفضلاء میرزا عبدالله افندی اصفهانی است که در جلد دم، صفحات ۳۰۴-۳۱۰ درباره
بُرسی و آثارش بحث نموده است.

پیش از وی، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق) در امل الآمل^{۴۸} اشاره کوتاهی به نام بُرسی و
برخی از آثارش نموده و قطعه ای از اشعار وی را آورده است.

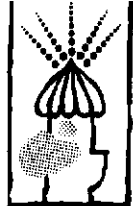
منابع متأخر که شرح حال رجب بُرسی در آنها آمده، از این قرار است:

شعراء الحلّة، علی خاقانی، ج ۲؛ الغدير فی الکتاب و السنّة و الادب، عبدالحسین
امینی؛ روضات الجنّات، محمد باقر خوانساری، ج ۳، ص ۳۳۹-۳۴۴؛ الذریعة إلى
تصانيف الشيعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی؛ ریحانة الادب، مدرّس تبریزی، ج ۲، ص ۱۱؛
أعيان الشيعة، سید محسن امین، ج ۶، ص ۴۶۶ و ۴۶۷؛ طرائق الحقائق، محمد معصوم بن
زین العابدین معصوم علیشاه؛ هدیة العارفين، اسماعیل پاشا بغدادی، ج ۱، ص ۳۶۵؛ الکنی

۴۶. فهرست کتاب خانه دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۶۹۶.

۴۷. فهرست کتاب خانه مجلس، ج ۲۳، ص ۸۷ و ۸۸.

۴۸. امل الآمل، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۲، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.



والالقباب، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ الفوائد الرضویة، شیخ عباس قمی، ص ۱۷۹-۱۸۱؛ هدیة الاحباب، شیخ عباس قمی، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ تنقیح المقال، مامقانی، ج ۱، ص ۴۲۹؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۷۹، مقاله آقای سید مهدی حائری درباره «برسی»؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۱۰۳-۱۰۵، مقاله آقای رضا مختاری درباره «برسی»؛ مقدمه آقای محسن بیدارفر بر کتاب مشارق أنوار الیقین که دستنویس خود را در اختیار نگارنده قرار دادند؛ مشعلی منیر در ظلمت کویر، غلامرضا گلی زواره؛ مرآة الکتب، علی بن موسی ثقة الإسلام تبریزی؛ تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، مصطفی شیبی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو؛ الموضوعات فی الآثار و الاخبار، هاشم معروف حسنی؛ ریاض الجنة، میرزا محمد حسن حسینی زنوزی (م ۱۲۱۸ ق)، الروضة الرابعة؛ البابلیات، یعقوبی، ج ۱؛ الحصون المنيعة فی طبقات الشيعة، شیخ علی آل کاشف الغطاء، ج ۹، (مخطوط).

مشارق أنوار الیقین

مهم ترین و معروف ترین اثر برسی کتاب مشارق أنوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمؤمنین (ع) است که با شیوه ای بدیع و ابتکاری و با استفاده از مبانی عرفان نظری به شرح و تفسیر مناقب و فضایل اهل بیت (ع) خصوصاً حضرت امیر مؤمنان پرداخته است. برسی در این اثر، روایات خاصی را که مربوط به فضایل حضرات معصومان (ع) بوده نقل نموده که پیش از او کم تر مورد توجه قرار می گرفته و برای افرادی که بعد از او آمدند، منبع و مرجع مهمی شده است.

هانری کرین درباره آثار برسی و مشارق الانوار می نویسد:

آثار رجب برسی برای فلسفه شیعی دارای اهمیت بسیاری است. در میان آثار وی مشارق الانوار را که مهم ترین خطبه های عرفانی منسوب به امام اول شامل می شود، می توان دیباچه ای بسیار عالی بر حکمت شیعی تلقی کرد. این اثر، شرحی مبسوط درباره حقیقت محمدیه دارد که همه کلمات کتاب هستی را شامل می شود. این حقیقت مرآت خداست. نور واحدی است که دو ساحت



دارد: ساحت ظاهری که همان رسالت نبوی است و ساحت باطنی که ولایت،

یعنی محبت الهی متجلی در امام است.^{۴۹}

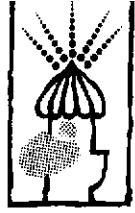
او در زمانی به تدوین مشارق پرداخت که عرفای بزرگی مطالب فراوانی در بیان ولایت تکوینی و تشریعی و مرتبه انسان کامل نوشته بودند و برخی از ناگفته‌ها از پرده اسرار بیرون آمده بود. در چنین فضایی احادیث و افری را - که پیش از وی زمینه مناسبی برای درج در نوشته‌ها نداشت - آورد و راز و رمزهایی را هویدا ساخت. از این رو، نوشته‌هایش مورد بحث زیادی بین مخالفان و موافقان قرار گرفته و برخی او را مُحبّ غالی دانسته و بر او طعن زده‌اند. عده‌ای هم این آثار را ستوده و از آن دفاع کرده‌اند.

بررسی در اظهار اندیشه‌هایش بی‌پروا بوده، محبت شدید او به اهل بیت (ع) او را واداشته تا بسیاری از غرایب روایاتی را که درباره‌ی خاندان عصمت و طهارت (ع) وارد شده است، یک جا (در کتاب مشارق) جمع آورد، و این معنا سبب شده تا عده‌ای که حقیقت این سخنان برایشان روشن نشده است، او را مورد طعن قرار دهند و گروهی دیگر نیز - که خلوص نیت و عقیده مؤلف و وجود همین روایات را در متون مجامیع حدیثی به طور پراکنده می‌دیده‌اند - به دفاع از او برخیزند. به هر حال، همگان محبت و ولای شدید او را نسبت به اهل بیت (ع) می‌ستایند و مورد تأکید قرار می‌دهند.

بررسی از نخستین کسانی است که با تطبیق نظرانی که در مکاتب عرفانی راجع به انسان کامل گفته شده به چهارده معصوم (ع)، در صدد معرفی مقام و رتبه بلند ایشان برآمده و آنچه را درباره‌ی کرامات و فضایل ایشان آمده، توجیه نماید، در حالی که پیش از او کتاب‌های متعددی به ذکر فضایل و مناقب ائمه اطهار (ع) اختصاص یافته بود؛ اما هیچ یک از آنها به صورت مستقیم و مفصل به بررسی و تفسیر فضایل مذکور نمی‌پرداخت. بررسی مستقیماً به این کار پرداخته و کتاب مشارق را بر مبنای دوگانه ذکر فضایل و توجیه آنها نگاشته است. در مواردی نیز توجیهات او جنبه اقناعی داشته و راه جدال احسن را در پیش گرفته است. از این رو است که تأثرش از نظرات عرفا در سخنانش مشهود است و حتی در موردی مستقیماً از محیی الدین نام می‌برد.^{۵۰}

۴۹. تاریخ فلسفه اسلام، هانری کرین، ترجمه جواد طباطبایی، ص ۴۷۰.

۵۰. مشارق انوار الیقین، ص ۲۱.



بُرسی در ابتدای کتاب مشارق، افهام عادی را از درک مرتبه امیرالمؤمنان (ع) قاصر می‌داند و از ملامت‌گری و حسادت برخی از معاصران خود شکوه می‌نماید. پس از آن، فصول متعددی را به علم حُرُوف و شرافت آن اختصاص داده و با بهره‌گیری از آن، به بیان فضایل و مناقب معصومان (ع) می‌پردازد.

هم چنین، در این راه از علم نُقْط و دوائر نیز بهره‌جسته و درباره‌ی اسرار سورۀ فاتحه و اسم اعظم مطالبی مطرح می‌نماید. از جمله مباحث کتاب، گفتاری است درباره‌ی حقیقت نقطه و فیض اوّل و این که انبیا مظاهر اسمای الهی‌اند. پس از آن، اخباری را که در فضل علی (ع) و فرزندانِش رسیده مطرح نموده و به دنبال آن، اشعاری را که در مدح اهل بیت و امیرالمؤمنان (ع) سروده آورده، و طرفه آن که بحث جالبی درباره‌ی برائت جستن ائمه (ع) از غُلّات به میان می‌آورد و روایاتی را در ذمّ غُلّات از حضرات معصومان (ع) نقل می‌کند. بعد از آن، فصولی را به بیان اسرار ائمه و کرامات ایشان اختصاص داده و درباره‌ی اسرار تک تک چهارده معصوم طیّ فصول مستقل از هم، بحث می‌نماید. بیشتر مباحث کتاب به بیان فضایل حضرت علی (ع) اختصاص دارد. در بخش‌های پایانی کتاب، چند خطبه‌ی منسوب به امیر مؤمنان را آورده، از جمله خطبه‌ی افتخار (= خطبه‌ی البیان) و خطبه‌ی تطنجیه، که از جمله مهم‌ترین انتقادات مخالفان وی، استفاده‌اش از علم حُرُوف و غلوآمیز بودن مطالب کتاب و نیز آوردن این رو خطبه در ضمن کتاب است.

انتقاد از بُرسی و کتاب مشارق او

نقد و حمله به بُرسی از زمان خود وی شروع شده و این حملات به حدّی بوده که وی مجبور به انزوا و خلوت نشینی شده، چنان که در لابه لای کتاب مشارق از ملامت‌گران و هجمه‌کنندگان به خود گله نموده و خود را از غلوّ و تفویض مبرا دانسته و گناهی جز حبّ علی (ع) و نشر و تبلیغ اسرار او برای خود نمی‌شناسد. او خود را مصداق این عبارت می‌داند که در حقّ امامان از اعتقاد غالبان پرهیز کنید و در مدح ایشان هر چه می‌توانید بگویید، که اگر عظمت آسمان و زمین با فضیلت ایشان سنجیده شود، باز هم کم است. بُرسی در مقابل کسانی که او را متّهم به اغراق در توصیف علی (ع) می‌نمودند، می‌گوید:



اگر آن کس را که من می شناسم، می شناختند و به مقصد حریمش چون من می شتافتند، به راستی که مرا معذور می داشتند. به خدا من در وصف او اغراق نکرده‌ام ... ۵۱.

و نیز در برابر افرادی که او را غالی نامیده‌اند می گوید:

اگر چه مرا غالی نامیده‌اند، لکن سبب آن، ناتوانی مردم در فهم افکارم است؛ زیرا آنان که منقول خوانده‌اند، الزاماً بر همه علوم احاطه ندارند و معقول را در نمی یابند.

بعد می افزاید:

چرا این گونه افراد عمق سخن او را نمی یابند و او را به غالی گری متهم می سازند، حال آن که گفتارش اسرار ره یافتگان است ... چرا قول اهل غلو را از اسرار هدایت و حقیقت تفکیک نمی کنند؟

برُسی پس از حملات و فشار مخالفان مجبور گشته تا رساله مختصری در بیان عقاید خود و اقرار به توحید و نبوت و نفی هرگونه غلو به نام لوا مع انوار التمجید بنویسد و آن را به مشارق ملحق کند.

پس از عصر برُسی نیز برخی از دانشمندان شیعی، ضمن تجلیل از مقام علمی فقیه و محدث برُسی، به پاره‌ای از مطالب مشارق الانوار ایرادها و نقدهایی وارد نموده‌اند. از جمله محدث جلیل القدر جناب شیخ حرّعاملی - ضمن آن که پاره‌ای از نوشته‌های شیخ رجب را در تالیفات خود مآخذ قرار می دهد و از او به عنوان فاضل، محدث، شاعر، منشی و ادیب سخن می گوید و آثارش را برمی شمارد - می گوید:

و فی کتابه افراط و ربما نسب إلى الغلو؛ در کتاب مشارق او مطالب افراطی وجود دارد که گاهی غلو شمرده می شود. ۵۲.

علامه مجلسی (ره) - که در اثر معروف خود، بحار الانوار از احادیث مندرج در آثار برُسی استفاده کرده و ابعاد تبخّر و مراتب فضل و درجات دانش این عالم شیعی را به عنوان

۵۱. مشارق انوار الیقین، ص ۲۴۶.

۵۲. امل الآمل، ج ۲، ص ۱۱۷.



فقیه محدث و ماهر در اکثر علوم بر شمرده و پاره ای از نوشته های او را در نهایت حسن و جزالت، لطافت و فصاحت دانسته - در مقدمه بحار الانوار در هنگام ذکر مصادر کتاب خود، می نویسد:

و کتاب مشارق الانوار و کتاب الالفین - لحافظ رجب البرسی - لا اعتمد علی ما یتفرد بنقله، لا شتمال کتابیه علی ما یوهم الخبط و الخلط و الإرتفاع، وإتما آخرجنا منهما ما یوافق الاخبار المأخوذة من الاصول المعتمدة. ۵۳

این سخن، حکایت دارد که علامه مجلسی، مشارق الانوار و الالفین برسی را حاوی مطالب موهم اشتباه و خلط صحیح و سقیم و غلوآمیز دانسته و از روایات او تنها آن چه را با کتب معتبر مطابق بوده، نقل کرده است.

میرزا عبدالله افندی اصفهانی در کتاب مشهور خود، ریاض العلماء معرفتی مفصلی از رجب برسی ارائه نموده و آگاهی های جالبی درباره آثار او به دست داده که همین اطلاعات پایه و مآخذ دیگر کتب تراجم بعد از وی قرار گرفته است. افندی بر مراتب فضل و فقاقت و تبحر برسی در علوم مختلف تاکید نموده، ولی در نهایت، به تبع علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی می نویسد:

اقول: التأمل والفحص والبحث فی مؤلفاته، یورث ما أفاده الاستاد الاستناد - أیدہ اللہ تعالی - و الشیخ المعاصر من الغلو والإرتفاع، ولكن لا بمرتبة الألوهية ونحوها؛ با دقتی که در آثار حافظ رجب برسی به عمل می آوریم، بدین نتیجه می رسیم که آنچه را استاد استناد، مجلسی - ایدہ اللہ تعالی - و شیخ معاصر (شیخ حرّ عاملی) راجع به غالی بودن حافظ برسی گفته اند به سر حد الوهیت و مانند آن نبوده است. ۵۴

خوانساری در روضات الجنّات، پس از این که رجب برسی را به عنوان مُرشد کامل و قطب عارف معرفتی نموده و نظرات شرح حال نگاران قبل از خود را آورده، دو نمونه از سروده های معروف این ادیب شاعر را نقل کرده، ناگهان به ملامت و مؤاخذه شدید و نسبت

۵۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰.

۵۴. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰۷.



غلو دادن به همان کسی می پردازد که خود، او را عالم و عارف معرفی کرده است و او را صریحاً مخالف با شرع و طریقه فقها قلمداد می کند و به تشیید ستون های اهل ارتفاع و غلو و تجدید مراسم بدعت گذاران و خروج از دایره ظواهر شریعتی که اصول آن با پیوستگی به فروعش استوار و محکم است و بلند پروازی بر قواعد غلات و مفوضه متهم می نماید. او این اتهامات را از مطالب مسلم و یقینی می داند که برای احدی از آشنایان به گفتارش پرده و نقابی بر آن نیست!

صاحب روضات پا را از این فراتر نهاده و شخصیت های برجسته و مورد وثوقی چون مفضل بن عمر، جابر بن یزید جعفی، صفار قمی، شیخ طوسی، علی بن عیسی اربلی، قطب راوندی، ابن شادان و سایر افرادی را که در این باره کتاب نوشته اند و حدیثی روایت کرده اند را به میدان آورده و می نویسد:

اگر چه احتمال داده می شود که آتش این فتنه خاموش از زمانی شعله ور گردیده که دو راوی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) آن را از ابتدا تا انتهایش بر حسب مرام و مراد خویش وضع نمودند. یا از زمان اشاعه تفسیر فوات کوفی، یا از واقع شدن کتاب تفصیل فارس قزوینی صوفی در میان عامه مردم، بلکه از زمان انتشار اخبار مفضل بن عمر جعفی و جابر بن یزید در میان شیعیان و تدوین بخشی از آنها در کتاب بصائر الدرجات و امالی شیخ طوسی و کشف الغمّه و خرائج راوندی و فضل بن شادان و پسرانش و سایر کتب مناقب و فضایی که به زبان عربی و فارسی و نیز تفاسیر غلات و اهل افراط و اخباری ها بوده باشد. احتمال می رود نخستین کسانی که بدین گونه سخنان خطابی - که در دل های عوام الناس بالنسبه در مورد اهل بیت (ع) تطبیق می کند - تکلم کرده باشند و نیز خود ایشان چنین کتاب هایی را تألیف کرده اند و یا افرادی همچون ابن بطریق در کتاب عمده و خصائص خود و سید رضی الدین ابن طاووس و برخی از فضلاء بحرین و شهر طیبّه قم بوده باشند که در بخش هایی از آثارشان ذکر نموده اند و پس از آن، مطلب از این قرار شد که هر کس به دنبال این شیوه آمد و دلش از این آبشخور سیراب گشت، در این طنبور با نغمه جدیدی که از سوی



خود بر آن افزود دمساز گشت و پرده‌ای را درید و امر ثابتی را مضمحل کرد و سخنی نو ابداع نمود و به گوش افراد جاهل و تازه وارد رسانید و سدّی از ارکان شریعت را شکست، تا آن که نوبت به این مرد (حافظ بُرسی) رسید، و او راجع به این مسائل کتابی نوشت و درهای نوینی را باز کرد و هم نشینان و یارانی از خود به یادگار نهاد که آن پیروان را کشفیه نامند؛ چون تصوّر می‌کنند بر اسرار مخفی و امور غیبی آگاهی دارند. ۵۵

عجیب آن که با این همه توصیفاتی که در قدح بُرسی آورده، باز هم می‌گوید:

فمن المحتمل الراجح اذن فی نظر من تأمل آن یكون هو الناجی المهدی الی سبیل المعرفة بحقوق اهل البیت ... ؛ چه بسا که شیخ حافظ رجب به حق معرفت اهل بیت (ع) رسیده و از نجات یافتگان باشد!

مرحوم سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعة، حافظ بُرسی را فقیه، محدّث، ادیب و شاعری می‌داند که در طبع او نوادری وجود دارد و در تألیفاتش خبط و خلط و نمونه‌های افراط مشاهده می‌شود. او برخی نوشته‌های بُرسی را حتّی اگر به نحوی بتوان توجیه کرد، سودمند نمی‌داند. او استفاده بُرسی از علم حروف و اعداد را نکوهش نموده و از این که صلواتیه و زیارتی از خود در حق معصومان انشا کرده، بر او خرده می‌گیرد؛ گرچه آن صلوات و زیارت در غایت فصاحت باشد. ۵۶

علامه مامقانی پس از وصف شیخ حافظ بُرسی به عنوان انسانی فاضل و محدّث و شاعر و نیز معرّفی برخی از آثارش، اظهار می‌نماید:

هر کس به کتاب بُرسی مراجعه کند، به تحقیق، برایش ثابت می‌گردد که بیش از اندازه غلوّ ورزیده است. ۵۷

دکتر مصطفی کامل شبیبی - که به شیخ حافظ رجب بُرسی تاخته است - با تألیف دو کتاب به نام های الفكر الشیعی و النزعات الصوفیة و الصلة بین التصوّف و التشیّع (که هر دو

۵۵. روضات الجنّات، ج ۳، ص ۳۴۳-۳۴۴.

۵۶. اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۴۶۶.

۵۷. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۲۹.



به زبان فارسی ترجمه شده اند) کوشیده است تا ثابت کند که تصوّف، زائیده تشیّع و معلول آن است.

هاشم معروف حسنی، یورش های شیعی به شیعه را با تألیف کتاب بین التصوّف و التشیّع پاسخ گفته و در کتاب الموضوعات فی الآثار و الاخبار در زمره انتقاد کنندگان به بُرسی قرار گرفته و کتاب مشارق را مشتمل بر صدها حدیث دروغ و اساطیر دانسته و می گوید:

بُرسی در میان شیخیّه و کشفیه و غلات طرفداران بسیار دارد.

آن گاه، نمونه هایی از مطالب کتاب مشارق را به عنوان تأیید نظر خود آورده و گفته است:

روایات بُرسی اساطیری و غلوآمیز، و توجیهات و شروح او غریب تر و مستهجن تر و بعید تر از واقعیت است.^{۵۸}

آنچه گذشت، انتقاداتی بود که به بُرسی و کتاب مشارق وارد شده و آنها را حول چند محور می توان خلاصه نمود:

۱. از علم حروف استفاده کرده است؛ ۲. زیارت و صلواتی از خود انشا نموده است؛
۳. در نقل های او خبط و خلط و غلو و ارتفاع به چشم می خورد. در مجموع، خواندن کتاب های او برای خوانندگان ممکن است مضر باشد.

دفاع از بُرسی

شیخ رجب بُرسی در لابه لای اشعارش و نیز کتاب مشارق الانوار و لوامع به انتقاداتی که به او شده، پاسخ می دهد و خود را از اتهام غلو و اغراق بری می داند و منتقدان را به تعمّق و تفکر بیشتر در نظریاتش و نیز استفاده از معقول و عدم اکتفا به منقول دعوت می نماید.

علم حروف و اعداد را برخلاف مخالفان - که این علم را بی پایه و بی معنا می دانند - مشتمل بر اسرار الهی می داند و با بهره گیری از تخصص خود در این علوم، احادیث وارده در فضایل اهل بیت (ع) را توضیح می دهد.

۵۸. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، هاشم معروف الحسنی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ص



علامه امینی عقیده دارد دانشمندانی نظیر بُرسی و ابن شهر آشوب را - که گام در این مسیر نهاده اند - نباید خطا کار دانست؛ چون کارشان برای پاسخ دادن به حروف شناسان سنی بوده است.^{۵۹}

آقای بیدارفر در مقدمه تصحیح مشارق در این باره می نویسد:

علم حروف و اعداد، چندان بی پایه نیست و فی الجمله، حقیقت دارد و مورد انکار هیچ عاقلی نمی تواند باشد. این که در بسیاری از احادیث، تعداد مشخصی برای اذکار معین گفته شده که از بارزترین شان تسبیحات حضرت فاطمه - سلام الله علیها - است، دلیل اهمیت داشتن و مؤثر بودن عدد خاص است. مشکل در این جاست که ما رابطه میان این عدد و یا حروف و آن آثار خارجی را نیافته ایم و از این رو، ضابطه روشنی برای تشخیص صحیح و سقیمش در دست نداریم. بنابراین، هرگز نمی توانیم به کسانی که در این علوم تحقیق می کنند و ممکن است به نتایجی هم برسند حمله کنیم و سخنان آنان را به کلی پوچ و بی محتوایی انگاریم. البته، تازمانی که در این معنا ضوابط روشنی نیز به ما ارائه نشود، از پذیرش سخنان ایشان و حجت دانستن آنها معذور خواهیم بود.

درباره انشای صلوات و زیارت، علامه امینی این عمل را بلامانع دانسته و می گوید: اگر به نیت ماثور بودن و وارد شدن از معصومان (ع) و تشریع نباشد، اشکالی ندارد و بسیاری از علمای بزرگ شیعه و سنی صلوات و تحیت بر پیامبر (ص) و معصومان (ع) انشا نموده اند.^{۶۰}

نگارنده، نمونه هایی را از صلواتیه هایی که دانشمندان شیعه و سنی انشا کرده اند، در میراث اسلامی ایران ذکر نموده ام.^{۶۱} روشن است که این امر در بین علما رایج بوده؛ چنان که

۵۹. الغدير، ج ۷، ص ۳۶.

۶۰. الغدير، ج ۷، ص ۳۷.

۶۱. میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، ص ۶۵۷ و ۶۵۸ و دفتر چهارم، ص ۵۱-۵۳؛ نیز کتاب شناسی «صلواتیه» ها را در دست تنظیم دارم که تاکنون حدود ۶۵۰ عنوان رساله صلواتیه از عالمان شیعه و سنی شناسایی شده است.



سید ابن طاووس در برخی از آثار خود ادعیه و زیاراتی آورده و تصریح نموده که آنها از منشآت خود اوست.

اما خبط و خلطی که علامه مجلسی به آثار بُرسی نسبت داده، اگر به معنای بی مبالاتی در نقل روایت و عدم دقت در اخذ روایت و جمع بین غث و سمین باشد، درباره بُرسی صدق نمی‌کند، چرا که او از کتب و منابع رایج در عصر خود استفاده نموده و بسیاری از آنها مورد استفاده مجلسی در بحارالانوار نیز بوده است. و اگر منظور این است که این اخبار، صحیح نیستند، چه بسیار روایات غیر صحیحی که در کتاب بحارالانوار آمده و غرض مؤلف آن جمع‌آوری احادیث متفرق در کتاب‌های مختلف بوده است. چنانچه مراد از خلط این است که قطعه‌ای از حدیثی را آورده و یا حدیثی را نقل به معنا نموده و یا قسمت‌های غیر لازم، جهت استدلال خود را حذف کرده است، این روش در بین محققان و شارحان احادیث مرسوم بوده و در نوع کتاب‌های فقهی و اخلاقی و تفسیری به بندهایی از احادیث، یا مضمون‌های آنها استناد شده است، ضمن این که هدف اصلی بُرسی نگارش کتاب حدیثی به عنوان یک محدث نبوده و او هرگز در پی جمع‌آوری و ذکر احادیث نبوده، بلکه در پی توضیح و بیان اسرار ولایت و برتری مقامات اهل بیت بوده است. او در این طریق به احادیثی که در کتب متداول و موجود در دست دانشمندان زمانش آمده، استناد می‌جوید و آنها را توضیح داده و شرح می‌نماید!

مسأله غلو مهم‌ترین اتهام عارف بُرسی است. به گفته ظریفی، بُرسی دو گناه نابخشودنی داشته: اوّل این که قائل به وحدت واجب الوجود بوده و دیگر آنکه علی‌ولیّ اللهی بوده است.

بُرسی در جای جای این کتاب و اشعار و آثارش از این اتهام بی‌زاری جسته و مخالفان خود را از بدگمانی برحذر می‌دارد:

و ظَنُّوا و بعض الظنّ اثم شَنُّوا بأنّ امتداحی جاوز الحدّ والعدا
فوالله ما وصفی لها جاز حدّه ولکنّها فی الحُسن قد جازت

او وصف ائمه(ع) را از دیدگاه اهل افراط و تفریط محکوم می‌نماید و خاطر نشان

می‌سازد:



فالقالی والقالی هلکاً فی بحر الافراط والتفریط، و التالی و الموالی وقفا عند
ظاهر التشکیک و التخلیط، فالقالی، حجه عن نورهم العالی ظلمة الکبر و
الحسد و القالی تاه فی تیه اسرارهم فضل عن سبیل الرشید.^{۶۲}

صاحب الغدیر می نویسد:

حق، این است که تمامی ششونی که بررسی در مورد اهل بیت عصمت اثبات
کرده است، پایین تر از مرتبه غلو و غیر از درجه نبوت است.^{۶۳}

او با آوردن پانصد و چهل بیت شعر از بررسی می گوید:

چنان که می بینید در این ها هیچ اثری از غلو و ارتفاع نیست.^{۶۴}

با این همه، تحلیل درست آنچه بررسی گفته، بر بررسی مفهوم غلو در کلام شیعی متوقف
است. غلو در لغت، به معنای تجاوز از حد و بالا رفتن هر چیز از اندازه خود دانسته شده و در
قرآن مجید در دو سوره نساء و مائده مسأله غلو در دین مطرح شده و با خطاب «یا اهل الکتاب
لا تغلّو فی دینکم»^{۶۵} از مسیحیان می خواهد که دست از غلو برداشته و حضرت عیسی (ع) را
از حد خود بالاتر نبرند و او را پسر خدا نخوانند.

در روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) وارد شده، مسلمانان از غلو در دین
منع شده اند و غلو، علت نابودی امت ها و ادیان گذشته معرفی شده است. امام صادق (ع)
فرموده:

جوآنان خود را از اهل غلو بر حذر دارید، مبادا ایشان را فاسد کنند، زیرا
غلات، بدترین آفریدگان خدایند؛ بزرگی خداوند را کم جلوه دهند و برای
بندگان او دعوی خدایی راه اندازند. سوگند به خداوند که اینان بدتر از یهود،
نصارا، مجوس و مشرکان اند.

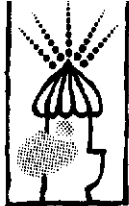
از سخنان امیرمؤمنان در ردّ غالیان است که:

۶۲. مشارق انوارالبیقین، ص ۱۶ و ۱۷.

۶۳. الغدیر، ج ۷، ص ۳۴.

۶۴. همان، ج ۷، ص ۶۷.

۶۵. نساء، آیه ۱۷۱؛ مائده، آیه ۷۷.



هَلَكَ فَيَّ إِثْنَان: محبّ غَال و مبغض قال: دو تن (دو گروه) در مورد من هلاک

گردند: دوستداری که غلوّ می کند و دشمنی که کوتاه می آید.

محققان بین غلوّ در ذات و غلوّ در صفات، تفکیک قایل شده و معتقدند که غلوّ در ذات آن است که شخص یا گروهی قایل به نبوّت یا الوهیت ائمه معصومان(ع) یا حلول و تناسخ و یا تفویض باشند، و منظور از غلوّ در صفات یا غلوّ در فضایل آن است که صفات و فضایل و معجزاتی را به معصومان(ع) نسبت دهند که دارای آن نبودند.

قمی ها و بغدادی ها بر سر صفات و فضایل به نزاع برخاستند. دسته اول در قرن سوم و چهارم قایل به نفی بعضی از فضایل و صفات معصومان(ع) گردیدند و قایل به این صفات را غالی دانستند و روایات او را مخدوش نمودند و در مقابل آنها، متکلمان بغدادی، همچون شیخ مفید(ره) مقاومت نموده و به تخطئه قمی ها در عقایدشان پرداختند و آنها را مقصّر نامیدند. یکی از مهم ترین موارد اختلاف بین این دو دسته، مسأله سهو النبی(ص) بود که قمی ها آن را جایز دانسته و بغدادی ها آن را منتفی می دانستند. شیخ صدوق به نقل از استاد خود ابوجعفر محمد بن حسن بن ولید نقل می کند:

اولکین درجه غلوّ آن است که شخص، معتقد به نفی سهو از پیامبر(ص) و

امام(ع) باشد. ۶۶

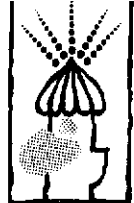
در مقابل این نظر، شیخ مفید(ره) اشاره ای به بعضی معتقدات برخی از اهل قم نموده و

می فرماید:

ما با جماعتی از اهل قم برخورد نمودیم که به وضوح، در دین تقصیر روا می داشتند آنها ائمه(ع) را از حدّ خود پایین تر آورده و گمان می کردند که ائمه، بسیاری از احکام دینی را نمی دانند تا این که با دقت نظر و فکر عمیق در قلوب آنان علم به احکام پیدا شود ... در بیان علامت غلوّ کافی است که بگوییم کسی که علامت های حدوث را از ائمه(ع) نفی می کند و درباره آنها حکم به الوهیت و قدیم بودن می کند، غالی است. ۶۷

۶۶. من لا یحضره الفقیه، تصحیح محمد جعفر شمس الدین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۱، ص ۳۵۸.

۶۷. تصحیح الاعتقاد، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.



به هر روی، این سخن مشهور است که قمی ها و ابن غضایری مشترکاً در متهم نمودن رومیان به غلو تلاش داشته اند و کتاب الضعفاء ابن غضایری کامل ترین فهرست را از کسانی که به اتهام غلو از سوی قمی ها از شهر قم اخراج گردیدند، در بر دارد.

اما تعریف شیخ مفید از غلات مسلمان چنین است:

گروه های غلات که از متظاهران به اسلام اند، کسانی هستند که امیرالمؤمنین (ع) و امامان فرزند او را متسبب به خدایی و پیامبری کرده و آنان را موصوف به فضیلت هایی در دین و دنیا - که از حد آنها فراتر است - نمودند. این ها گمراه و کافر هستند و امیرمؤمنان (ع) آنان را محکوم به قتل نمود و ائمه (ع) آنان را کافر دانسته و از اسلام به دور دانستند. مفوضه گروهی از غلات هستند و تفاوت آنها با دیگر غلات در این است که آنان اعتراف به مخلوق بودن ائمه و حادث بودن آنها و قدیم نبودنشان می نمایند؛ اما آفرینش و رزق را به ائمه نسبت می دهند و می گویند: خداوند فقط ائمه را آفرید و آن گاه آفرینش عالم و ما فیها و جمیع افعال و کارها را به آنان واگذار نمود. ۶۸

این، تعریف کلی غلو و تفویض است. حال، باید دید چگونه خروج از حد در معرفی افراد رخ می دهد. آیا ادعای بروز کرامات و خوارق عادات - هر قدر هم عجیب باشد - وقتی مسئله اذن الله منظور شود، غلو خواهد بود؟

خداوند در مورد خلقت انسان می فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً». خلیفه به کسی اطلاق می شود که می تواند کارهای مخلف عنه را به انجام برساند. روشن است که خلافت تام از آن انسان کامل است و اکمل انسان ها نیز رسول الله (ص) و به

۶۸. همان، ص ۱۳۳ - ۱۳۴؛ درباره غلو، ر. ک: القدير، ج ۷، ص ۶۹-۷۳؛ آراء الاثمة الإمامية فی الغلاة، حاج میرزا خلیل کمره ای؛ مقاله جریان شناسی غلو، نعمت الله صفری، منتشر شده در مجله علوم حدیث، شماره ۱ و ۲؛ غالبان در عصر ائمه (ع)، از همو؛ بحار الانوار، ج ۲۵، باب نفی الغلو فی النبی (ص) و الاثمة (ع)؛ مقایسه ای میان دو مکتب فکری شیعه در قم و بغداد، یعقوب جعفری، سلسله مقالات فارسی کنگره شیخ مفید، شماره ۶۹؛ تنقیح المقال، مامقانی، ج ۱، ص ۲۱۲، فائده بیست و پنجم.



دنبال او اوصیای به حق آویند، و به حکم خلافت الهی که دارند، هیچ کار غیر محالی نیست که اینان به اذن الله نتوانند انجام دهند. البته درك افراد معمولی از رسیدن به مقام شامخ انسان کامل، عاجز است و هرگز، حق مطلب را در مورد او نمی توانند دریابند. چگونه است فرشتگان که در مقامی بسیار نازل تر از مقام ائمه اند، به تدبیر امور جهان ماده اشتغال دارند و مدبرات امرند، ولی انسان های نورانی - که بسیار بالاتر از ملائکه اند - نمی توانند مدبر امور خوانده شوند؟

کسانی که در بیان فضایل ائمه (ع) احتیاط می نمایند، انبوه زیارات وارد شده از آن حضرات را چگونه توجیه می نمایند و درباره زیارت جامعه کبیره چه می گویند؟ در یکی از زیارات ماثور درباره سید الشهدا (ع) می خوانیم:

من اراد الله، بدأ بكم ... بكم فتح الله و بكم یختم الله و بكم یمحو الله ما یشاء و بكم یثبت و بكم یفك الذل من رقابنا و بكم یدرك الله ترة كل مؤمن یطلب و بكم تنبت الارض اشجارها و بكم تخرج الارض اثمارها و بكم تنزل السماء قطرها و رزقها و بكم یکشف الله الكرب و بكم ینزل الله الغيث و بكم تسبح الله الارض التي تحمل ابدانكم و تستقل جبالها علی مراسیها، إرادة الرب فی مقادیر اموره تهبط إلیکم و تصدر من بیوتکم ... ۶۹

آیا سخنانی را که غلو می انگارند، در این زیارت و زیارت جامعه کبیره در شان معصومان وارد نشده است؟

یکی از کسانی که برسی را به غلو متهم نموده و غلیظ تر از دیگران در این باره داد سخن داده، صاحب روضات الجنات است. با کمال تأسف، در این کتاب از شیخیه و بزرگان شان تجلیل شده، اما درباره عرفا و حکما کم لطفی روا گردیده است. سخنان خوانساری درباره برسی به خوبی بیانگر چگونگی قضاوت ایشان درباره آثار عارفان اسلامی است.

آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی (ره) روش خوانساری را در تقبیح افرادی چون برسی، مبارزه و مخاصمه با عرفان اسلامی دانسته و می گوید:



او در این مسیر، گرفتار برخی تصوّرات موهوم شده که ناچار گردیده به برجستگی از مذهب تشیع همچون مفضل بن عمر و جابر بن یزید، فضل بن شاذان، سید بن طاووس و شیخ طوسی بتازد و جسارت روا دارد و روایات مندرج در کتاب های آنان را که در فضایل اهل بیت (ع) آمده مخدوش قلمداد نماید ... خوشوقتیم که خامه توانای زنده کننده بنیاد مذهب، علامه امینی در کتاب ارزشمند و ذی قیمت خود، از روی این موضوع عبور ننموده و بلکه توقف و درنگ کرده و در ترجمه حافظ رجب بررسی حقّ مطالب را ادا فرموده است ... ۷۰

علامه امینی در پاسخ به سید امین نیز می گوید:

ما نمی دانیم سیدنا الامین که در گفتار خود بُرسی را این گونه معرفی کرده، نمونه هایش در کجاست؟! ای کاش آن شذوذ را نشان می داد تا ادعایش بدون بینه نباشد. پس از آن که خود او اعتراف نموده که محمل صحیح برای کلامش امکان دارد، چه لزومی داشت که آن را بر خط و خلط حمل نماید ... اما این که سید امین خاطر نشان ساخته که در مؤلفات بُرسی فایده زیادی نیست و در بعضی خُسران وجود دارد، از برای خداوند در مخلوقاتش شثونی است، خداوند با او و ما مسامحه فرماید. این کلام، ناشی از لغزش قلم است که سهواً از او صادر شده است. و پروردگار متعال، ما و او را عفو نماید! ۷۱

منابع مشارق انوار الیقین

بُرسی در عصری می زیسته که روایات به صورت مدوّن درآمده و کتاب های روایی متنوعی در اختیار وی بوده و نقل حدیث به صورت سینه به سینه بی رونق بوده است، لذا آن چه صاحب ریاض العماء درباره وی گفته، نمی تواند قدح در حق او باشد؛ زیرا منابع مهمی در دست بُرسی بوده و پس از او مفقود شده و به نسل های بعدی نرسیده است. این گونه است که برخی

۷۰. روح مجرد، ص ۳۸۵.

۷۱. الفدیر، ج ۷، ص ۳۶ و ۳۷.



روایات او را متفرّد دانسته و پنداشته اند که غیر از او کسی این روایات را نقل نکرده است. ۷۲

مؤلفان و کتاب های مورد استناد بُرسی - که صریحاً از آنها نام می برد - از این قرار است:

۱. امالی صدوق؛ ۲. کتاب الواحدة؛ ۳. مناقب ابن شهر آشوب؛ ۴. نخب المناقب؛
 ۵. کتاب المقامات؛ ۶. کتاب الآیات؛ ۷. الهدایة از خصیصی؛ ۸. خرائج راوندی، کتاب راوندی؛ ۹. مهج الدعواة؛ ۱۰. کتاب الاربعین؛ ۱۱. محی الدین (بدون نام کتاب)؛
 ۱۲. کتاب التفسیر؛ ۱۳. خصال صدوق؛ ۱۴. نهج البلاغه؛ ۱۵. ابن ابی الحدید، قصائد؛
 ۱۶. الفردوس، دیلمی؛ ۱۷. اللباب؛ ۱۸. مناقب الغزالی (احتمالاً ابن مغازلی)؛
 ۱۹. تفسیر وکیع بن الجراح؛ ۲۰. علی بن ابراهیم؛ ۲۱. صاحب الکشاف؛ ۲۲. مفاتیح الغیب رازی؛ ۲۳. ابن ساذان؛ ۲۴. احمد بن عبدالعزیز الجلودی؛ ۲۵. کشف الغمّة؛
 ۲۶. البشائر (احتمالاً بشارة المصطفی)؛ ۲۷. مناقب خوارزمی؛ ۲۸. کتاب القرانات؛ ۲۹. عیون الاخبار؛ ۳۰. ابن طاووس؛ ۳۱. بصائر الدرجات؛ ۳۲. کتاب ما اتفق من الاخبار.
- مسلم است که کتاب های فراوانی در دسترس او بوده که از آنها یادی به میان نیامده است.

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

دو تحریر از مشارق انوار الیقین

نسخه های موجود از کتاب، در آغاز و انجام و تقدّم و تاخّر مطالب و کم و زیاد شدن مطالب با هم تفاوت های فاحشی دارند، به طوری که به نظر می رسد مؤلف؛ دوبار این کتاب را نگاشته است. احتمالاً پس از نگارش تحریر اوّل و مواجه شدن با انتقادات و حملات منتقدان، دست به تحریر دوم زده و در آن برخی از کلماتی را که مورد اشکال منتقدان واقع شده، توجیه نموده است. نسخه شایع و مشهور که بارها به چاپ رسیده، تحریر دوم از کتاب است.

به هر حال، مؤلف در هر دو تحریر به نام کتاب تصریح نموده و بسیاری از مطالب آن دو کاملاً شبیه به هم و قسمت اعظم شان یکی است و در جاهایی فصولی مقدّم و مؤخّر و یا فصلی با تفصیلی بیشتر آمده است.

علامه تهرانی در الذریعه به اختلاف تحریر اشاره نموده و گفته است:



این اختلاف به حدّی است که می توان آنها را دو کتاب به حساب آورد. ۷۳

از جمله تفاوت های بارز این دو تحریر، قسمت مفصّلی است که در تحریر غیر مطبوع موجود است و در برخی نسخه ها به عنوان رساله مستقلّ موسوم به الدرّة الثمین از تالیفات رجب بُرسی معرفی شده، ولی در تحریر مطبوع وجود ندارد.

در برخی از کتاب ها، احادیث و مطالبی از مشارق انوار الیقین نقل شده که در نسخه چاپی موجود نیست و به احتمال از نسخه غیر مشهور استفاده نموده اند.

نسخه های متعدّدی از تحریر غیر مطبوع موجود است. از جمله، نسخه های شماره ۸۱۰۶ و ۹۳۴۰ و ۲۱۴۲ کتاب خانه آستان قدس رضوی و نسخه های شماره ۱۱۶۱ و ۱۴۱۹ کتاب خانه ملی.

آغاز دو تحریر

آغاز تحریر مطبوع: بسمله، الحمد لله المتفرّد بالازل والابد و الصلاة على اول العدد و خاتم الامد محمد و آله الذين لا يقاس بهم من الخلق احد، و بعد يقول الواصل بالفرد الصمد رجب الحافظ البُرسی - اعاده الله من الحسد و آمنه يوم يفرّ الوالد من الولد -: اعلم انّ بعض الحاسدين الذين ليس لهم حظّ في الدين ...

آغاز تحریر غیر مطبوع: بسمله. الحمد لله الربّ الحكيم القادر العليم المتفرّد بالدوام والقدم الذي اخرج من النون ما ادرج في القلم ... و بعد، يقول العبد الواصل بوليّ الاحسان و النعم. رجب بن محمد بن رجب المحدث الحافظ البُرسی مولداً الحلّي محتداً - آمنه الله من الندم ... -: اعلم أنّه لما نفحتني من نسيمات حضرت القدس نفحات العناية ...

همان طور که ملاحظه می شود، بُرسی، تحریر دوم را با گله از حاسدان و منتقدان خود شروع می کند و از جهل و ملامتگری آنان شکایت می نماید و می گوید:

لا ذنب لی غیرائی رویت زید الاخبار و رویت زند الاخیار ...

بدین ترتیب، احتمال این که تحریر مطبوع پس از تحریر نخست، نگاشته شده و در آن به انتقادات و اعتراضات پاسخ گفته شده باشد، تقویت می شود.



نسخه‌های خطی

نسخه‌های خطی متعددی از کتاب در کتاب‌خانه‌های ایران و برخی کشورهای اسلامی موجود است و از هر دو تحریر کتاب، نسخه سراغ داریم؛ اما از تحریر غیر مطبوع چندین نسخه در دست است. از جمله، دو نسخه در کتاب‌خانه ملی به شماره‌های ۱۱۶۱ و ۱۴۱۹، و نسخه‌ای نیز در کتاب‌خانه شخصی آیت الله صفایی خوانساری بوده که هم اکنون در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.^{۷۴}

نسخه‌های دیگر:

مشهد، کتاب‌خانه آستان قدس رضوی،^{۷۵} شماره‌های: ۱۸۴۹ (تحریر در ۱۰۷۴) و ۱۱۲۳۵ و ۲۱۴۳ و ۹۳۴۰ و ۲۱۴۱ و ۸۱۰۶ و ۲۱۴۲ و ۹۸۹۰ و ۱۱۳۴۶ و ۱۱۴۹۲ و ۱۵۳۰۶.

قم، کتاب‌خانه آیت الله گلپایگانی، شماره‌های: $\frac{۱۱}{۱۰۳}$ و $\frac{۳۴}{۹۸}$ ، $\frac{۲۰}{۷۹}$ ، $\frac{۳۵}{۱۳۸}$ ، تهران، کتاب‌خانه ملک،^{۷۶} شماره‌های ۲۷۹۳ و ۱۹۵ و ۱۵۳۳. کتاب‌خانه ملی ایران،^{۷۷} شماره‌های: ۴۱۹ و ۹۹۱ و ۵۷ (گویا تحریر قرن نهم) و ۹۰ (تحریر در ۱۰۸۸ ق) و ۹۹.

قم، کتاب‌خانه مدرسه فیضیه،^{۷۸} شماره‌های: ۶۳۰ (گویا از سده دهم) و ۸۸۸ و ۱۴۷۲.

همچنین، نسخه‌هایی از کتاب در کتاب‌خانه سپهسالار (شماره ۱۷۹۰) و دانشگاه

۷۴. فهرست هزار و پانصد نسخه خطی اهدایی رهبر معظم انقلاب به کتاب‌خانه آستان قدس رضوی، رضا استادی، ص ۲۱۹.

۷۵. فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، محمد آصف فکرت، ص ۵۱۹، ۶۷۲.

۷۶. فهرست کتاب‌خانه ملی ملک، ج ۲، ص ۴۹۶ و ج ۵، ص ۷ و ۳۵۵ و ج ۹، ص ۱۳۰.

۷۷. فهرست کتاب‌خانه ملی، عبدالله انوار، ج ۷، ص ۵۷ و ۸۴ و ۹۰ و ج ۸، ص ۴۷۸ و ج ۹، ص ۴۳۸ و ۱۴۹.

۷۸. فهرست کتاب‌خانه مدرسه فیضیه قم، رضا استادی، ج ۱، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.



تهران (شماره های ۹۴۷۲ و ۶۴۲۰ و ۲۰۷۰) و مسجد جامع گوهرشاد (شماره ۳۸۴) و کتاب خانه عمومی اصفهان (شماره ۳۲۷۶) و مدرسه آخوند همدان (شماره ۴۷۲) موجود است.

نیز نسخه ای از مشارق الانوار در کتاب خانه شخصی مرحوم حاج شیخ علی خوانساری (پدر میرزا اکبر غفاری) موجود بوده که توسط دخیل علی بن همدان در مدرسه غریبه به سال ۱۰۸۶ ق، تحریر شده و در پایان آن دعای ندبه با تفاوت هایی با آنچه در مفاتیح الجنان است، دیده می شود، روی جلد این نسخه، نام کتاب جامع الاسرار مشاهده می گردد.^{۷۹}

چند نسخه از مشارق نیز در کتاب خانه های شخصی آقایان لاجوردی و مصطفوی در قم موجود است، و نسخه ای کتابت شده در اوایل قرن ۱۱ هجری در مکتبه شیخ محمد سماوی بوده است.^{۸۰} نیز دو نسخه از این کتاب در کتاب خانه شخصی شهشانی در اصفهان بوده است (ر. ک: میراث اسلامی ایران، ج ۵، ص ۶۰۱).

در برخی فهرست ها و نسخه ها، این کتاب را با نام های دیگری همچون اسرار الائمة، فضائل امیرالمؤمنین والائمة، مشارق انوار النورین ... و خفی الاسرار معرفی نموده اند.^{۸۱}

چاپ های کتاب

کتاب مشارق الانوار بارها در هند، ایران و لبنان به چاپ رسیده است. این کتاب، نخستین بار در بمبئی هندوستان در سال ۱۳۰۳ ق، در مطبعة حسینی به صورت سنگی منتشر شد و پس

۷۹. مجله نور علم، دوره دوم، شماره چهارم، یکصد و پنجاه نسخه خطی، رضا استادی، ص ۱۰۱ - ۱۱۹.

۸۰. مجله معهد المخطوطات، شوال ۱۳۷۷، المجلد الرابع، الجزء الثاني، مخطوطات العربیة فی العراق، دکتر حسین علی محفوظ.

۸۱. فهرست کتاب خانه ملی، ج ۸، ص ۴۷۸ و ج ۹، ص ۴۹۶؛ فهرست کتاب خانه آستان قدس رضوی، ۵، ص ۱۳۸؛ التراث العربی فی خزانه مخطوطات مکتبه آیه الله المرعشی، سید احمد حسینی، ج ۱، ص ۲۰۹، ش ۶۱۶۲.



از آن در سال ۱۳۱۸ ق، در همان شهر به چاپ رسید.

در بیروت، توسط مؤسسه اعلمی در ۲۵۴ صفحه، بدون ذکر تاریخ به چاپ رسید، و بار دیگر در همان جا به سال ۱۳۷۹ ق، در ۳۰۴ صفحه چاپ شده است.^{۸۲}

در ایران، توسط نشر فرهنگ اهل بیت، در تهران بدون تاریخ، انتشار یافته^{۸۳} و در آن نسخه خطی تحریر شده به سال ۱۲۵۷ ق، مبنای کار قرار گرفته است. و در آغاز آن، رساله لوامع انوار التمجید و جوامع اسرار التوحید از تألیفات بُرسی و در پایان، مجموعه ای از اشعار وی درج شده است. منشورات الشریف الرضی در قم از روی طبع مذکور، به سال ۱۴۱۴ ق، کتاب را چاپ نموده است.

اخیراً نیز مؤسسه اعلمی در بیروت، این کتاب را با حروفچینی جدید و ذکر برخی منابع در پاورقی، با تحقیق سید علی عاشور، در ۳۸۴ صفحه وزیری به چاپ رسانده است. محقق، از نسخه های خطی کتاب در این چاپ استفاده نکرده است.

چاپ های مذکور چاپ منقّح و تحقیقی نبوده و دارای تحریفات و اغلاط و افتادگی های فراوانی است. مثلاً چند ورق از آخر کتاب افتاده و از نسخه های صحیح و شیوه های تصحیح در آن استفاده نشده است. جناب آقای محسن بیدارفر با استفاده از نسخه های متعدد اقدام به تصحیح کتاب نموده و مقدمه ای عالمانه بر آن نگاشته و کتاب را در دست چاپ دارند.

تلخیص، ترجمه و شرح و نقل از مشارق انوار الیقین

نخستین کسی که به تلخیص این اثر همت گماشت، مؤلف کتاب است. وی این خلاصه را مشارق الامان و لباب حقایق الإیمان نامید که نسخه های متعددی از آن سراغ داریم. از جمله، نسخه شماره ۱۷۸۱ کتاب خانه آیت الله مرعشی^{۸۴} و نسخه کتاب خانه شخصی آقای

۸۲. معجم ما کتب عن الرسول و اهل البیت، رفاعی، ج ۶، ص ۳۴۹؛ فهرست کتاب های چاپی عربی، خان بابا مشار، ص ۸۴۵.

۸۳. مشعلی منیر در ظلمت کویر، گلی زواره، ص ۷۶.

۸۴. التراث العربی، سید احمد حسینی، ج ۵، ص ۸۱.



مصطفوی در قم و نسخه کتاب خانه ملک^{۸۵} به شماره ۱۰۹۹ تحریر در ۱۱۰۰ ق، و نسخه شماره ۷۴۶۸ دانشگاه تهران^{۸۶} تحریر در ۹۹۷ ق، و نسخه کتاب خانه سپهسالار و نسخ متعدّد دیگر که در فهرس نسخ خطی معرفی شده است.

آغاز این تلخیص چنین است: الحمد لله المتفرّد بالازل و الابد والصلاة على أوّل العدد الواحد الصادر عن حضرة الاحد محمد وآله ... و در انجام آن آمده است:

إن كان هذا القول من غلا فاشهد بأنّي للغلاة إماماً

الدر الثمين في أسرار الانزع البطین^{۸۷} از تقی الدین عبدالله حلّی (حلبی؟)، منتخبی است از کتاب مشارق النوار الیقین برسی که نسخه ای از آن را افندی دیده و در ریاض العلماء^{۸۸} یاد کرده است. همچنین، نسخه ای در کتاب خانه سماوی نجف با تاریخ کتابت ۱۰۱۰ ق، و نسخه ای دیگر در کتاب خانه آستان قدس رضوی^{۸۹} به شماره ۱۵۳۱۷ موجود است که در ۱۱۱۷ ق، کتابت شده است و نسخه شماره ۵۳۶۲ کتاب خانه سپه سالار^{۹۰} نیز به احتمال همین کتاب باشد که در ۱۰۷۷ ق، تحریر شده است.

آغاز الدر الثمین: الحمد لخالق البریات والشکر لواهب العطیات، ثم الصلاة... خلاصة مشارق انوار الیقین از مولی محمد زمان بن کلبعلی جلاثر خراسانی (م ۱۲۸۶ ق)^{۹۱} که نسخه ای از آن در کتاب خانه ملک^{۹۲} به شماره ۱۷۴۲ به خط وی موجود است.

۸۵. فهرست کتاب خانه ملک، ج ۵، ص ۲۳۳.

۸۶. فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، ج ۱۶، ص ۵۸۰.

۸۷. الذریعة، ج ۸، ص ۶۵.

۸۸. ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۳، ص ۲۱۴.

۸۹. فهرست القبای کتب خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ص ۶۴۲، در این فهرست، کتاب به برسی نسبت داده شده است.

۹۰. فهرست کتاب خانه سپهسالار، ج ۴، ص ۴۰۹.

۹۱. الذریعة، ج ۷، ص ۲۳۳.

۹۲. فهرست کتاب خانه ملک، ج ۵، ص ۳۵۵.



آخوند محمد صادق بن ملا علیرضا یزدی (قرن ۱۴) ترجمه تحت اللفظی نیکویی از کتاب مشارق انوار الیقین دارد که در آن، توضیحات اندکی در حاشیه از خود آورده و در روز دوشنبه ۲۴ محرم ۱۳۱۱ ق، ترجمه را به پایان رسانده است. نسخه ای از این ترجمه در ۱۷۶ برگ به شماره ۱۰۱۸۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی^{۹۳} موجود است.

آغاز ترجمه: حمد مر خداوند یگانه را که ازلی ابدی است، نه اوّل دارد و نه آخر، و درود و تحیات بر اوّل عدد چهارده معصوم پاك ...

حسن خطیب قاری سبزواری ساکن مشهد شرحی بر مشارق انوار الیقین نام مطالع الاسرار^{۹۴} نگاشت. این شرح در دو جلد و به زبان فارسی در حدود سی هزار سطر است که به دستور شاه سلیمان صفوی (۱۰۸۰ - ۱۱۰۶ ق) نگاشته شده و شارح، قسمت اسرار اعداد و حروف اوایل کتاب را از قلم انداخته است، ظاهراً بدین جهت که متهم به حروفی گری و صوفی مسلکی نشود. وی که شاعری عارف و ساکن در جوار بارگاه رضوی و خطیب مسجد جامع گوهرشاد بوده، اطلاع کافی از علوم غریبه چون دانش حروف و اعداد داشته و عمداً قسمت مذکور از مشارق را شرح ننموده است.^{۹۵}

علامه تهرانی دو نسخه از مطالع الاسرار در تهران در نزد صدرالذاکرین و شیخ محمد سلطان المتکلمین رؤیت کرده است و نسخه ای از این کتاب در دانشگاه تهران^{۹۶} به شماره ۶۴۲ موجود است. دو نسخه دیگر نیز در کتابخانه آیت الله مرعشی^{۹۷} نگهداری

۹۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی، سید احمد حسینی، ج ۲۶، ص ۱۴۶. عکسی از نسخه مذکور در مرکز احیای میراث اسلامی به شماره ۵۰۲ موجود است. (فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء، ج ۲، ص ۹۸).

۹۴. الذریعة، ج ۱۴، ص ۶۵.

۹۵. ریاض العلماء، افندی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ روضات الجنّات، خوانساری، ج ۳، ص ۳۴۵؛ الفوائد الرضویة، شیخ عباس قمی، ص ۱۷۹؛ اعیان الشیعة، سید محسن امین، ج ۶، ص ۴۶۶؛ فهرست واره کتاب های فارسی، منزوی، ج ۳، ص ۱۵۹۴.

۹۶. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۵، ص ۱۵۳۷.

۹۷. فصلنامه میراث شهاب، ج ۱۳، ص ۶۵؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۱۲، ص ۱۷۶، شماره ۴۶۱۱.



می شود. تاریخ کتابت یکی از آنها ۸ ذی حجه ۱۰۹۰ ق، و تاریخ تحریر نسخه دیگر ۱۰۹۱ ق، است.

آغاز مطالع الاسرار: بسمله و به ثقتی اشراقات لوامع حمدی که طبقات افلاك و ساحات صفحات عرض ادراك بنور ظهورش فروغ گیرد.

نخستین کسی که مطلبی از شیخ حافظ رجب بررسی نقل کرده، ابو محمد حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی است که معاصر با او بوده و در پایان کتاب إرشاد القلوب قصیده ای از وی در مدح امام علی (ع) با این مطلع نقل کرده است:

هم القوم آثار النبوة منهم تلوح و اعلام الإمامة تلمح

پس از او شیخ تقی الدین، ابراهیم کفعمی در کتاب المصباح (تالیف در ۸۹۵ ق) و در رساله المقام الاسنی فی تفسیر الاسماء الحُسنى از مشارق انوار الیقین مطالبی آورده است.

فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) در کتاب کلمات مکنونه از مشارق نقل کرده، و علامه مجلسی در بحار الانوار^{۹۸} از کتاب بررسی استفاده کرده است. همچنین، سید نعمت الله جزایری در کتاب الانوار النعمانیة (تالیف در ۱۰۹۸ ق) از بررسی حدیث نقل کرده است.

شیخ حرّ عاملی ضمن این که در کتاب امل الامل شرح حال بررسی و دو قصیده از او را متذکر شده، در کتاب الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة و إثبات الهداة موارد متعددی از مشارق بررسی روایت کرده و نام این محدث عارف را در ردیف محدثان بزرگی چون ثقة الاسلام کلینی، شیخ صدوق، شهید ثانی و ابن فهد حلی آورده است.^{۹۹}

سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق) در بسیاری از تألیفاتش از جمله تفسیر البرهان و معالم الزلفی از بررسی فراوان نقل می کند.

محمد جعفر استرآبادی (م ۱۲۶۳ ق) در عوائد المزیّد عائده ای را به نقل از حافظ بررسی به بیان اسرار ائمه اختصاص داده که نسخه ای از کتاب مذکور به شماره ۳۰۶۴ در

۹۸. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۸، ص ۲۰۲ و ج ۱۳ باب ۱۶ در اخبار کاهنان یهود به ظهور امام زمان (ع).

۹۹. مشعلی منیر در ظلمت کویر، گلی زواره، ص ۶۷-۷۰ و ۹۶-۱۱۱.



کتاب خانه آیت الله مرعشی^{۱۰۰} موجود است.

عده‌ای از دانشمندان، خطبه‌البیان و خطبه‌تطنجیه را از مشارق بُرسی نقل نموده و شرح کرده‌اند. إن شاء الله در مقاله‌ای مستقل به بحث درباره خطبه‌البیان و خطبه‌تطنجیه می‌پردازیم.

شرح متعددی بر حدیث علوی «هل رأیت رجلاً...» سراغ داریم که مصدر این حدیث برای اکثر آنها مشارق انوار الیقین بُرسی است. از جمله، محمد جعفر کبوترآهنگی (م ۱۲۳۹ ق) که نسخه‌ای از شرح وی به شماره ۷۵۷۱ در کتاب خانه مجلس^{۱۰۱} موجود است. نیز ملا مصطفی قمشه‌ای و میرزا ابوالقاسم قمی^{۱۰۲} (م ۱۲۳۱ ق) و دو شرح از حکیم ملاعلی نوری (م ۱۲۴۶ ق) که در میراث حدیث شیعه^{۱۰۳} به چاپ رسیده است.

نقل‌های فراوان دانشمندان از مشارق، نشانگر این است که کتاب مذکور در بیان فضایل ائمه (ع) کتاب جامعی بوده که منبع و مرجع کتب بسیار دیگر واقع شده است.^{۱۰۴} در خاتمه بحث، ذکر این نکته ضروری است که آنچه در این مقال گفته شد، همه برگرفته از سخنان مخالفان و موافقان دیدگاه شیخ بُرسی، و یا اطلاعات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی بود که از منابع و فهارس به دست آمده و نگارنده چیزی از خود بر آن نیفزوده است. و آنچه به عنوان دفاع از بُرسی آمد به این معنا نیست که تصور شود، هرچه در کتاب مشارق آمد، بی‌اشکال است و شک و شبهه‌ای در آن نیست. این کتاب نیز مانند کتاب‌های دیگری که دانشمندان می‌نویسند باید مورد نقد منصفانه و عالمانه قرار گیرد.

۱۰۰. التراث العربی، ج ۴، ص ۹۶.

۱۰۱. فهرست کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، علی صدرایی خویی، ج ۲۶، ص ۶۲.

۱۰۲. الذریعة، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

۱۰۳. میراث حدیث شیعه، دفتر سوم، شرحان لحدیث هل رأیت رجلاً، تحقیق حامد ناجی اصفهانی.

۱۰۴. درباره دانشمندانی که شیوه بُرسی را در بررسی احادیث داشته‌اند، در الذریعة، ج ۱۵، ص ۴۸ به نقل از شاگرد علامه مجلسی آمده است: إن صفوة الاخبار و ریاض الجنان کلاهما لفضل الله بن محمود الفارسی و هو شقیق الشیخ البرسی. سپس، علامه تهرانی می‌افزاید: و لعله اراد ان احادیثه تشبه احادیث المشارق للبرسی.